



گزارش رصد فرهنگی (۱۰۱)

ابتدال یا مقاومت؟ بررسی ذائقه موسیقایی نوجوانان و جوانان

یکی دیگر از گزارش‌های مرکز رصد فرهنگی کشور ذائقه موسیقایی نوجوانان و جوانان را بررسی کرده و این گزارش نشان داده مصرف موسیقی در میان نوجوانان و جوانان فراگیر است، به طوری که بر اساس پیمایش‌های مختلف بیش از ۹۰ درصد آن‌ها به موسیقی گوش می‌دهند. این گزارش در آذر ۱۴۰۴ تولید و منتشر شده است.

موسیقی در جوامع امروز رواج بسیار دارد و افراد به دلایل و انگیزه‌های مختلف به آن گوش می‌دهند. برخی برای سرگرمی و وقت‌گذرانی، برخی برای هیجان و لذت، برخی برای تمرکز بیشتر و مطالعه و کار بهتر و برخی برای آرامش بیشتر. ذائقه موسیقایی یا سلیقه افراد در مصرف موسیقی نیز متفاوت است. منظور از ذائقه تنها سلیقه‌ای زیباشناختی برای انتخاب سبک‌هایی خاص نیست، بلکه آن‌طور که بورديو در تمایز می‌گوید ذائقه نوعی سرمایه فرهنگی و شاخص متمایز ساختن خود از دیگری است. از این‌روست که افراد متعلق به پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی گوناگون و با سرمایه‌های فرهنگی مختلف ذائقه‌های موسیقایی مختلف دارند و سبک‌های متفاوت موسیقی را ترجیح می‌دهند. پس نکته مهم در اینجا خصیصه به‌غایت اجتماعی هنر موسیقی است. هم خلق و تولید موسیقی متأثر از اجتماع است و هم مصرفش. مصرف موسیقی به‌مثابه نوع خاصی از مصرف فرهنگی ابزاری برای «بیان خود» است. فرد با تصمیم‌گیری درباره این‌که کدام موسیقی را گوش دهد، درواقع این پیام را به دیگران می‌دهد که کیست و چه هویتی دارد و چه کسی می‌خواهد باشد؛ پیامی که وجه احساسی آن به‌شدت قوی است و از این‌رو قدرت سازندگی و همچنین ویرانگری فوق‌العاده دارد.

مصرف موسیقی در میان نوجوانان و جوانان فراگیر است، به طوری که بر اساس پیمایش‌های مختلف بیش از ۹۰ درصد آن‌ها به موسیقی گوش می‌دهند. بر اساس پیمایش ملی سنجش سبک زندگی ایرانیان در سال ۱۴۰۲، اقبال جوانان به سبک‌های پاپ، راک و رپ ایرانی، موسیقی خارجی و موسیقی محلی بیش از بقیه است. موسیقی سنتی بین جوانان طرفداران کمتری دارد. از یک منظر، مسئله فزونی رواج سبک‌هایی از موسیقی بین جوانان است که به تعبیری اصالت و کیفیت لازم را ندارند و با فرهنگ رسمی همخوانی ندارند و با عادی‌سازی خشونت، مصرف مواد، ترک تحصیل، روابط جنسی آزاد و از این قبیل تهدیدی فرض می‌شوند. در این متن به این پرسش پاسخ داده شد که رواج انواعی از موسیقی که به تعبیری اصالت و کیفیت لازم را ندارند، چه دلالت‌هایی دارد و نقش سیاست‌گذار فرهنگی در این میان چیست. بدین منظور از تحلیل ثانویه پیمایش‌های پیشین، اطلاعات برگرفته از سه پلتفرم یوتیوب، اسپاتیفای و ساندکلاد و تحلیل مضمونی دو گفت‌وگو بین صاحب‌نظران در باب موسیقی‌های خوب و بد و موسیقی تتلو استفاده شد. یافته‌ها این‌گونه بود:

رواج سبک‌هایی از موسیقی که در مقایسه با موسیقی سنتی و کلاسیک کیفیت و اصالت لازم را ندارند، تنها دلالت‌های زیباشناختی ندارد، بلکه حاکی از روی آوردن به سبک‌های خاصی از زندگی است که نه تنها از فرهیختگی که حتی از هنجارها و ارزش‌های معمول جامعه دور است. به تعبیری این نوع موسیقی در شرایط اجتماعی‌سازی بیش‌ازاندازه آدمیان و تأکید بیش‌ازحد متعارف بر تولید و تربیت انسان‌های طراز، رواج یافته است و اقبال به آن‌ها بر خستگی آدمیان از این شرایط دلالت دارد. بر این اساس بهتر آن است که دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی کمتر در عرصه هنر و موسیقی مداخله کنند تا فضا رقابتی شود و افراد درباره سلايق موسیقایی خود دقت بیش‌تری

داشته باشند.

از دیدگاه دیگر، رواج موسیقی‌هایی که از کیفیت و اصالت لازم برخوردار نیستند، ناشی از بهره‌برداری صنعت موسیقی از هواداران و نبود دانش موسیقایی کافی است و بنابراین این وظیفه دولت و حاکمیت است که در دفاع از مخاطب که گاه از آگاهی لازم برخوردار نیست و یا زیر سن قانونی است، در عرصه موسیقی مداخله کند. وانگهی در اساس برخی انواع موسیقی نازل و برخی فاخر هستند و این وظیفه دولت است که در راستای تقویت بخش فاخر حرکت کند.

از منظر دیگر، رواج موسیقی‌های نازل ناشی از ضعف در مدیریت فرهنگی کشور است. باید مدیران فرهنگی متخصص و آگاه به حوزه موسیقی باشند. صداوسیما باید به‌دوراز قطبی‌سازی با تمامی هنرمندان به انصاف برخورد کند و برنامه‌هایی در خصوص موسیقی داشته باشد که متناسب با سرمایه غنی موسیقایی ما و علاقه مردم به موسیقی باشد. به‌خصوص باید برنامه‌هایی گفت‌وگومحور در زمینه موسیقی وجود داشته باشند. وانگهی در زمینه آموزش و پژوهش در حوزه موسیقی باید سرمایه‌گذاری بیش‌تری صورت گیرد. بدین‌ترتیب از گذر در پیش گرفتن رویه اصلاحی در مدیریت کلان هنر و ازجمله موسیقی، سطح ذائقه موسیقایی نوجوانان و جوانان متحول خواهد شد.